

بست‌های باتجربه مشهدی با حدود چهار دهه تجربه کار هنری

معادله سه مجهولی

بابی برنامگی و عدم توانایی بعضی مسئولان گاهی در شهر شاهد آثار بسیار ضعیفی هستیم.

«برای اینکه هنر شهری مشهد پیشرفت داشته باشد باید چه کرد؟»

برای رسیدن به آثار خوب و ارزشمند نیاز است که مسئول پروژه شناخت کافی از درک این اثر و شناختی مناسب از شهر داشته باشد که اگر بر خلاف این شناختها آثار در شهر نصب شوند شاهد شهری با ناهنجاری‌های شکلی و ظاهری خواهیم بود. اگر مدیر هنری شهر ضعیف باشد، لاجرم سفارشی نامتناسب به هنرمندان می‌دهد و هنرمندان خوب و ممتاز معمولاً این کار را قبول نمی‌کنند و کار به دست افرادی می‌افتد که کاردان نیستند، همه چیز برمی‌گردد به مسئولان هنری شهر، چرا که این شهر پتانسیل بالایی در هنر و هنرمندان طراز اولی دارد که در هنر ایران و جهان تأثیر دارند. اگر کم کاری است باید در بخش مدیریتی مساله را دنبال کرد. اگر مقایسه‌ای بین سال‌های آخر دهه هشتاد و الان داشته باشیم متأسفانه باید بگوییم که پسرقت داشته‌ایم و آن سال هادر درجه بالاتری بودیم. شهر پر شده از کارهای کودکانه که بعضی حتی به درد مهد کودک‌ها هم نمی‌خورد. این وضعیت تأثیر منفی بر شهر و شهروندان و زائران دارد.

«می‌توان شهری یکپارچه داشت و از شلوغی و درهم‌بودن نقش‌ها جلوگیری کرد؟»

بله، اما همه ماجر به گرافیکست‌ها یا هنرمندان خلاصه نمی‌شود. باید متخصصان مختلف شهری از جامعه شناس و روان شناس و مردم‌شناس و البته هنرمندان جمع شوند تا به دیدگاهی واحد و دستورالعملی جامع برسند. آنگاه به شهری می‌رسیم که هر گوشه‌ای از آن برای خود، سازی مخالف با گوشه دیگر نمی‌زند!

«آیا گرافیک با هنرهای دیرینه ایرانی مانند طراحی فرش، سفال و... هم می‌تواند رابطه برقرار کند؟»

حتماً، ما سابقه هنری زیادی داریم و بدون تعارف محتوای خوبی هم داریم. می‌توان از نمونه‌های آثار رشته‌های دیگر به عنوان مینیمال در کار گرافیکی استفاده کرد. برای استفاده از هنرهای قدیمی باید اول به شناخت خوبی از همان هنرهای قدیمی رسید. بدون شناخت یا با شناخت سطحی به کارهای ارزشمند و خلاقانه نمی‌رسیم.

«در کجایم شود این هنر را دید؟»

در مشهد می‌خواهید از هنر دیرینه با خبر شوید؟

«نسل امروز با نسلی که دیروز مخاطب گرافیک بودند چه تفاوتی دارند؟»

نسل امروز بهتر می‌بیند و بیشتر انتظار دارد و حتی خلاقانه به همه هنرها از جمله گرافیک می‌پردازند، اما مقداری عجول هستند! اگر گرافیکست‌های دیروز نتوانند خودشان را ارتقاء بدهند از گردونه عقب می‌مانند.

«چه خاطره شیرینی از گرافیک دارید؟»

اولین سفارش‌م شاید شیرین‌تر خاطره راهنور پس از سال هادر ذهنم تداعی می‌کند. وقتی توانستم سفارشش را اجرا کنم و سفارش دهنده هم راضی بود و تشکر کرد حس کردم توانستم خودم را در کاری که علاقه‌ام بوده و هست برای اولین بار ثابت کنم. سفارش دهنده از من تشکر کرد و هنوز شیرینی آن لحظه را در یاد دارم.

«چه طور می‌توان مشتری هنر را راضی کرد؟»

باید فهمید که در تاریک خانه ذهنش چه می‌گذرد. پس از این مر حله بهترین ایده را که حتی ممکن است کامل تر از خواسته مشتری باشد با او در میان گذاشت، بحث ریالی ماجرا را قطعی کرد و در زمان مقرر کار را تحویل داد. هر بخشی که بلندگد کار زیر سوال رفته است.

«چه توصیه‌ای به هنرآموزان این رشته دارید؟»

با توجه به اینکه هنر جاده‌ای بی انتها دارد و انسان تا ابد می‌تواند در هنر رشد کند توصیه‌بنده به نوگرافیکست‌ها مطالعه و تحقیق بسیار در این هنر است که باید هنرمند گرافیکست درک کافی از هنر و آثاری که به وجود می‌آید داشته باشد. باید باور داشته باشند که هنر تمامی ندارد و همیشه باید در حال رشد باشد و اگر با یکی دو کار خوب در شهر شناخته شدند مسیر به روز شدن و ارتقای کار هنری را ادامه بدهند و در همان حد اولیه باقی نمانند. هنرمند باید دائم در حال تجزیه و ترکیب نیازهای شهر و داشته‌های خود و آثار دیگران باشد. یعنی معادله‌ای سه مجهولی را بخواهد بفهمد و حل کند.

«به عنوان سخن پایانی اگر مطلبی دارید بفرمایید.»

سعی کنیم هر کدام در هر کاری هستیم با قوت و اعتماد کارمان را انجام دهیم. همیشه فکر کنیم اگر ۲۰ سال بعد به کار امروزمان نگاه می‌کنیم جای دفاع از خودمان باقی گذاشته باشیم.

این شهر پتانسیل بالایی در هنر و هنرمندان طراز اولی دارد که در هنر ایران و جهان تأثیر دارند. اگر کم کاری است باید در بخش مدیریتی مساله را دنبال کرد

